



Research Article

Identification and Analysis of Challenges and Opportunities for Business Development in Iran's Nomadic Territories: A Mixed-Methods Study

Fatemeh Manouchehri ^{1*}, Mahsomeh Ahmadvand ², Hossein Koravand ³, Mahtab Kianpour ⁴

¹. Assistant professor, Department of Geography, Faculty of Social Sciences, Payame noor University, Tehran, Iran.

². Master of Geography and Rural Planning, Payame Noor University, Tehran, Iran.

³. Ph.D. Student of sociology, Social-rural development, Tehran University, Tehran, Iran.

⁴. Master of Business management, Shahid Ashrafi Esfahani University, Isfahan, Iran.

* Corresponding Author, f.manouchehri@pnu.ac.ir

Receive Date: 22 October 2025

Accept Date: 24 December 2025

ABSTRACT

Introduction: The nomadic community, as one of the most significant human societies, possesses diverse economic potentials. Considering their current economic conditions in the era of technological expansion, focusing on their business development is essential and should be prioritized.

Objectives: The main aim of this study is to identify and analyze the challenges and opportunities for business development in Iran's nomadic territories.

Methodology: This descriptive-analytical study employed a mixed-methods approach (qualitative and quantitative). The study population consisted of experts in the nomadic sector, with 14 participants in interviews and 73 in the survey using convenience sampling. Data were analyzed using thematic analysis for qualitative data and statistical tests for quantitative data.

Geographical Context: The study focused on the nomadic ecosystems of Iran, as the research addresses the topic at a macro level.

Results and Discussion: The qualitative results indicated seven main challenges in business development within nomadic territories, including infrastructural and spatial, economic and financial, educational, and institutional-governance challenges. Additionally, eight opportunities were identified, such as sustainable use of natural resources, strengthening nomadic culture and identity, developing experience- and eco-based tourism, and new market and trade opportunities. The importance of these challenges and opportunities at the sub-theme level, assessed via the Friedman test, showed that the absence of professional training centers in nomadic areas (mean = 18.34) and the role of local councils and elders (mean = 15.82) were the most significant challenge and opportunity, respectively, for business development.

Conclusion: Business development in Iran's nomadic territories faces infrastructural and educational challenges; however, local participation and natural resources serve as significant enabling opportunities.

KEYWORDS: Challenges and Opportunities, Business Development, Nomadic Territories.

شناسایی و تحلیل چالش‌ها و فرصت‌های توسعه کسب و کار در قلمروهای عشایری ایران: یک مطالعه ترکیبی

فاطمه منوچهری^{۱*}، معصومه احمدوند^۲، حسین کوراوند^۳، مهتاب کیان‌پور^۴

۱. استادیار گروه جغرافیا، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.
۲. کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.
۳. دکتری جامعه‌شناسی گرایش توسعه اجتماعی روستایی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
۴. کارشناسی ارشد مدیریت بازرگانی، دانشگاه شهید اشرفی اصفهانی، اصفهان، ایران.

* نویسنده مسئول، Email: f.manouchehri@pnu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۳۰ مهر ۱۴۰۴

تاریخ پذیرش: ۰۳ دی ۱۴۰۴

چکیده

مقدمه: جامعه عشایری به عنوان یکی از مهمترین جوامع بشری دارای پتانسیل‌های متنوعی در حوزه اقتصادی هستند. با توجه به شرایط اقتصادی آنها در عصر حاضر با گسترش فناوری، ضرورت توجه به حوزه کسب و کارهای آنها یک امر ضروری است که بایستی در اولویت بررسی قرار گیرد. **هدف پژوهش:** هدف اصلی پژوهش شناخت چالش‌ها و فرصت‌های توسعه کسب و کار در قلمرو جامعه عشایری ایران و تحلیل آن است. **روش‌شناسی:** پژوهش حاضر توصیفی-تحلیلی و از نوع ترکیبی (کیفی و کمی) است. جامعه آماری پژوهش را کارشناسان حوزه عشایری تشکیل داده‌اند که در مرحله مصاحبه ۱۴ نفر و در مرحله تکمیل پرسش‌نامه به روش نمونه در دسترس، تعداد ۷۳ نفر مطالعه شدند. روش تحلیل داده‌ها در بخش کیفی، تحلیل مضمون و در بخش دوم آزمون‌های آماری است.

قلمرو جغرافیایی پژوهش: قلمرو مد نظر در پژوهش حاضر، زیست‌بوم‌های عشایری ایران است؛ چرا که موضوع مورد بررسی در سطح کلان است. **یافته‌ها و بحث:** نتایج کیفی نشان داد که هفت چالش اصلی در زمینه توسعه کسب و کار در قلمرو عشایری مهم است که از جمله می‌توان به چالش زیرساختی و مکانی، اقتصادی و مالی، آموزشی و نهادی - و حکمرانی اشاره نمود. همچنین ۸ فرصت شناسایی شده که می‌توان به بهره‌برداری از منابع طبیعی پایدار، تقویت فرهنگ و هویت عشایری، توسعه گردشگری تجربه‌محور و بوم‌محور، فرصت‌های بازار و تجارت نوین اشاره نمود. اهمیت چالش‌ها و فرصت‌ها در سطح مضامین فرعی با آزمون فریدمن نیز نشان داد که نبود مراکز آموزش حرفه‌ای در قلمرو عشایری با میانگین ۱۸/۳۴ و نقش شوراهای محلی و ریش‌سفیدان با میانگین ۱۵/۸۲، به ترتیب مهمترین چالش و فرصت در راستای توسعه کسب و کار شناخته شده است. **نتیجه‌گیری:** توسعه کسب‌وکار در قلمروهای عشایری ایران با چالش‌های زیرساختی و آموزشی مواجه است، اما مشارکت محلی و منابع طبیعی فرصت‌سازند محسوب می‌شوند.

کلیدواژه‌ها: چالش‌ها و فرصت‌ها، کسب و کار، قلمرو عشایری.

مقدمه

کوچ نشینی کهن ترین شیوه زیست بشر است (صادقی و صیدایی، ۱۴۰۲: ۱۴) و ایران یکی از مهمترین پهنه های سرزمینی دنیا است که این نحوه زیست را بخوبی تجربه نموده است. جامعه عشایری ایران به عنوان یکی از کهن ترین و پویاترین ساختارهای اجتماعی کشور، نقش تعیین کننده‌ای در تداوم حیات فرهنگی، اقتصادی و زیست محیطی ایران زمین دارد. جامعه عشایری ایران، در اختیار داشتن ۲۸ درصد از دام سبک، تولید ۲۰ درصد از گوشت قرمز، مالکیت ۵۶۰ هزار هکتار از راضی کشاورزی (آبی و دیم)، تولید ۳۵ درصد از صنایع دستی نقشی مهم در اقتصاد ملی دارد. استقرار آن‌ها در حدود ۹۶۳ هزار کیلومترمربع از سرزمین ایران نیز بیانگر جایگاه راهبردی شان در تولید، امنیت غذایی و پایداری فرهنگی است (شمس الدینی و همکاران، ۱۴۰۳: ۱۸). این جامعه با برخورداری از نظام تولیدی خاص، متکی بر کوچ‌نشینی، دامداری سنتی و بهره‌برداری از منابع طبیعی در مقیاس فصلی، در طول تاریخ سهم قابل توجهی در تأمین محصولات دامی، حفظ تعادل اکولوژیکی مراتع (Daskiran et al., 2018: 17) و پاسداشت میراث فرهنگی و هویتی ایران ایفا کرده است. عشایر نه تنها بخشی از تولیدات دامی کشور را تأمین می‌کنند، بلکه با سبک زندگی، نظام ارزشی و مهارت‌های بومی خود، حاملان فرهنگی زنده‌ای هستند (Hall, 2019: 217) که هویت تاریخی، زبان‌ها و آیین‌های متنوع ایران را زنده نگه می‌دارند. از سوی دیگر، زیست‌بوم‌های عشایری عموماً در مناطق مرزی، کوهستانی و دشوارگذر قرار دارند و به همین دلیل نقشی امنیتی و سرزمینی نیز در حفظ تعادل جمعیتی و حاکمیت ملی ایفا می‌کنند (Tugiamba et al., 2021: 4). با وجود این ظرفیت‌های چندبعدی، در دهه‌های اخیر تغییرات گسترده اقلیمی، کاهش منابع طبیعی، نوسانات اقتصادی و روند شتابان شهرنشینی سبب شده است که شیوه‌های معیشت سنتی عشایر با تهدیدهای جدی روبه‌رو شود (Nandintsetseg et al., 2019: 919). در چنین شرایطی، بازنگری در الگوهای معیشتی و اقتصادی عشایر و توجه به ظرفیت‌های جدید توسعه‌ای ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است.

در عصر حاضر، تحولات فناورانه، گسترش شبکه‌های ارتباطی، دیجیتالی شدن اقتصاد و شکل‌گیری کسب‌وکارهای دانش‌بنیان، الگوهای سنتی تولید و مبادله را به‌طور اساسی دگرگون کرده است (Qi et al., 2024: 279). فعالیت‌هایی که پیش‌تر بر پایه تجربه‌های بومی، مبادلات محلی و ساختارهای سنتی شکل می‌گرفتند، اکنون نیازمند تعامل با بازارهای فرامنطقه‌ای و بهره‌گیری از فناوری‌های نو هستند (Loorbach et al., 2020: 254). در این میان، جامعه عشایری ایران نیز نمی‌تواند از این موج جهانی تحول اقتصادی و فناورانه دور بماند. بهره‌گیری از فناوری اطلاعات، آموزش‌های مهارتی و سازوکارهای نوین بازاریابی می‌تواند به بازتعریف مسیرهای تولیدی و تجاری در قلمروهای عشایری کمک کند (De Almeida et al., 2022: 356) و زمینه مشارکت فعال‌تر عشایر در اقتصاد ملی را فراهم سازد (Dyer, 2016: 42). با این حال، تحقق این امر مستلزم آن است که برنامه‌ریزی توسعه‌ای با شناخت دقیق ویژگی‌های فرهنگی، اجتماعی و زیست محیطی عشایر انجام شود تا هرگونه تغییر، در هماهنگی با سبک زندگی، نظام ارزش‌ها و الگوی کوچ‌نشینی آنان صورت گیرد (Olaniran, 2018: 114). از این منظر، توسعه کسب‌وکار در جوامع عشایری نه صرفاً یک پروژه اقتصادی، بلکه فرایندی اجتماعی، فرهنگی و چندبعدی است که نیاز به درک عمیق از شرایط بومی دارد (Gulliver, 2018: 372). همچنانکه جامعه عشایر ایران به واسطه تغییر و تحولات سال‌های اخیر، در زمینه‌های مختلف با چالش‌های نسبتاً جدی مواجه شده است (شمس الدینی و جمینی، ۱۴۰۳: ۱۳).

جامعه عشایری جایگاه ویژه‌ای دارد و توسعه این شرایط نیازمند توجه به وضعیت موجود و برنامه‌ریزی مناسب است. طهماسبی و همکاران (۱۳۹۴) نتیجه گرفتند مجموعه نیروهای ترکیبی تغییر شامل سست شدن ارزش‌های زندگی کوچ‌نشینی، رواج فرهنگ مصرف‌گرایی و گرایش به سبک زندگی شهری، در شکل‌گیری و انتخاب الگوها و راهبردهای اتخاذ شده توسط اجتماع مطالعه شده، ایفای نقش کرده و در نهایت چالش‌ها و فرصت‌هایی را به وجود آورده‌اند. نعمتی و همکاران (۱۴۰۰) نتیجه گرفتند که عوامل ایجابی شامل سرمایه اجتماعی، کنشگری دولت، توان محیطی، سرمایه فرهنگی و نمادین، توان اقتصادی، امکانات و زیرساخت‌ها دارای تاثیر مثبت بر توسعه گردشگری عشایری و همچنین عوامل سلبی توسعه گردشگری عشایری شامل موانع فرهنگی، موانع اجتماعی، موانع زیست محیطی، موانع شناختی-دانشی و بی‌توجهی به عشایر هستند. شمس الدینی و جمینی (۱۴۰۳) نتیجه گرفتند که عواملی مانند تبلیغات، توسعه فعالیت‌های جمعی، جذابیت محل اسکان، فرهنگ مهمان‌نوازی، دانش بومی و ظرفیت بالای رقابت پذیری از مهمترین عواملی است که در توسعه جامعه عشایری موثر هستند. کشاورز ملایسی و همکاران (۱۴۰۳) فراهم نمودن امکانات، مدیریت هماهنگ و یکپارچه، تاب آوری اقتصادی، حکمروایی خوب از راهبردهای تاثیرگذار توسعه جامعه عشایری شناخته شده‌اند و تاکید دارند که شناسایی فرصت‌ها و چالش‌ها مسیر را برای پایداری فراهم می‌نمایند.

با توجه به گستردگی قلمرو جغرافیایی جامعه عشایری ایران (جمینی و همکاران، ۱۴۰۲: ۶۱) و اینکه ایران یکی از کشورهای است که کوچ، همچون گذشته در آن جریان دارد و هنوز عشایر ایرانی سنت های خویش را برپا می دارند (صفری علی اکبری و صادقی، ۱۴۰۰: ۱۰۱)، در چنین بستری، توسعه کسب‌وکار در قلمروهای عشایری ایران می‌تواند به‌عنوان یکی از مؤثرترین رویکردها برای توانمندسازی اقتصادی، پایداری اجتماعی و حفظ زیست‌بوم‌های بومی مطرح شود. شناخت جوامع عشایری از حیث قابلیت‌ها، امکانات، محدودیت‌ها و تنگناها و چگونگی تعامل آن‌ها از ضروریات برنامه‌ریزی توسعه پایدار است (ریاحی و همکاران، ۱۴۰۰: ۵۹). ایجاد فرصت‌های شغلی پایدار در این جوامع ضمن افزایش درآمد و رفاه خانوارهای عشایری، می‌تواند از روند فزاینده مهاجرت به شهرها بکاهد و پایداری جمعیت را در مناطق مرزی و طبیعی تقویت کند (صفری علی اکبری، ۱۴۰۰: ۶۹). افزون بر آن، توسعه هدفمند کسب‌وکار در قلمروهای عشایری به تقویت سرمایه اجتماعی، ارتقای مشارکت محلی و شکوفایی ظرفیت‌های فرهنگی منجر می‌شود. با وجود این، هنوز ابعاد و مؤلفه‌های مؤثر بر شکل‌گیری کسب‌وکار در این جوامع با توجه به تحولات عصر فناوری، به‌صورت جامع شناسایی نشده و پژوهش‌های موجود بیشتر بر جنبه‌های توصیفی یا اقتصادی محدود تمرکز دارند. از این رو، لازم است با نگاهی نظام‌مند و تحلیلی، زمینه‌های ساختاری، فرهنگی و نهادی مؤثر بر توسعه کسب‌وکار در قلمروهای عشایری بررسی شود. پرسش اساسی این پژوهش آن است که چه چالش‌ها و فرصت‌هایی در مسیر توسعه کسب‌وکار در قلمروهای عشایری ایران وجود دارد؟ بر همین اساس، هدف اصلی پژوهش حاضر شناخت و تحلیل این چالش‌ها و فرصت‌ها با بهره‌گیری از رویکرد ترکیبی (کیفی و کمی) است تا تصویری جامع از مسیرهای ممکن توسعه ارائه دهد و مبنایی برای سیاست‌گذاری‌های مؤثر در آینده فراهم آورد.

روش شناسایی

این پژوهش از نوع کمی-کیفی (ترکیبی)، یک مطالعه پیمایشی و مبتنی بر روش توصیفی-تحلیلی و ژرف نگر است که در قلمرو عشایر انجام شده است. منظور از پژوهش ترکیبی پژوهش حاضر این است که در مرحله اول، با مطالعه کیفی (مصاحبه) نتایج استخراج شده و سپس در مرحله دوم با مطالعه کمی (پرسشنامه)، این نتایج اعتبارسنجی شدند. روش گردآوری داده‌ها به دو صورت مطالعات اسنادی-علمی و همچنین استفاده از مصاحبه و پرسشنامه بوده است. جامعه آماری در بخش کیفی پژوهش حاضر شامل کارشناسان حوزه عشایر بوده‌اند. برای انجام مصاحبه و شناسایی فرصت‌ها و چالش‌های توسعه کسب و کار، از نظرات ۱۴ نفر از کارشناسان استفاده شده است. دلیل انتخاب این تعداد حجم نمونه، بر اساس روش اشباع تئوریک بوده است؛ چرا که بر اساس این روش در مطالعات کیفی، زمانی که محقق احساس نماید ادامه مصاحبه با افراد بیشتر، نتایج جدیدی در اختیار قرار نمی‌دهد، به همان تعداد نمونه اکتفا می‌نماید. در واقع ادامه مصاحبه با افراد بیشتر، نتایج تکراری ارائه می‌نماید و لذا لزومی ندارد که مصاحبه ادامه پیدا نماید. در پژوهش حاضر نیز محقق با انجام ۱۴ مصاحبه به اشباع نظری رسیده است. مدت زمان انجام مصاحبه‌ها برای هر نفر بین ۲۰ تا ۲۵ دقیقه بوده است.

در بخش کیفی برای تحلیل مصاحبه‌ها، از روش تحلیل مضمون استفاده شده است. در این روش، اطلاعات مصاحبه‌ها خط به خط تجزیه و تحلیل می‌شوند (Afsharipour et al., 2021). هدف تحلیل مضمون به روش براون و کلارک، شناسایی مضامین و استفاده از این مضامین به منظور پرداختن به تحقیق و ارائه مطلبی در رابطه با یک موضوع است. (Braun & Clarke, 2006; Clarke & Braun, 2013). در پژوهش حاضر بر اساس روش تحلیل مضمون ابتدا مصاحبه‌ها با توجه به اهداف پژوهش انجام شد. سپس محقق به استخراج کدها یا عبارات کلیدی در هر مصاحبه اقدام نمود. این روش تحت عنوان مفاهیم اولیه شناخته می‌شود. در مرحله دوم بر اساس کدهای استخراج شده، مفهوم سازی کلی تر انجام شد. در واقع کدهای اولیه که مفهوم مرتبط و نزدیکی با همدیگر داشته‌اند، یک مفهوم محوری را تشکیل داده‌اند (مضامین اصلی). به طور خلاصه اینکه ظرفیت‌ها، چالش‌ها و راهبردها (مضامین اصلی) از طریق تلفیق مفاهیم اولیه و مشترک، استخراج و مفهوم‌پردازی شدند.

بخش دوم پژوهش شامل روش‌های کمی است. بعد از شناسایی مفاهیم (ظرفیت‌ها و چالش‌های توسعه کسب و کار)، مفاهیم مورد ارزیابی و اعتبارسنجی با استفاده از پرسش‌نامه قرار گرفتند. هدف از استفاده از روش‌های کمی، اعتبارسنجی مفاهیم در سطح یک نمونه بزرگتر است. برای انجام این بخش، نمونه آماری بالغ بر ۷۳ نفر از کارشناسان انتخاب شدند. روش تعیین حجم نمونه در این زمینه، استفاده روش نمونه در دسترس بوده است. در این بخش از پرسش‌نامه استفاده شده است که طراحی آن بر اساس مفاهیم اولیه استخراج شده از طریق روش مصاحبه بوده است. این مفاهیم در پرسش‌نامه قرار داده شد و از این طریق در

سطح نمونه بزرگتر، مفاهیم اعتبارسنجی شدند. در نهایت از آزمون آماری مناسب (فریدمن) برای تحلیل داده‌ها در نرم‌افزار SPSS استفاده شد.

یافته‌ها و بحث

در این پژوهش چالش‌ها و فرصت‌های توسعه کسب و کار در قلمروهای عشایری ایران در قالب تحلیل مضمون (تم) و از طریق روش کیفی شناخته و تحلیل گردید. این شناخت از طریق مصاحبه با نخبگان و پژوهشگران حوزه عشایری به دست آمده است. در ادامه از طریق آزمون‌های آماری، این نتایج اعتبارسنجی و مدل مفهومی توسعه کسب و کار قلمرو عشایری ارائه شده است. در بخش کیفی ۱۴ کارشناس از طریق روش گلوله برفی انتخاب شد. این تعداد ۹ نفر را مردان و ۵ نفر را زنان تشکیل داده‌اند. همچنین ۳ نفر دارای تحصیلات لیسانس، ۶ نفر تحصیلات فوق لیسانس و ۵ نفر دکتری داشته‌اند. در ادامه نتایج بخش کیفی در قالب تحلیل مضمون ذکر شده است.

شناخت چالش‌های توسعه کسب و کار در قلمروهای عشایری ایران

با استفاده از تحلیل مضمون ۲۶ مفهوم یا مضمون فرعی شناسایی شد که بر اساس استنباط انجام شده، این مفاهیم در ۷ مضمون اصلی به عنوان چالش‌های توسعه کسب و کار در قلمروهای عشایری ایران دسته‌بندی شدند. این چالش‌ها شامل: چالش زیرساختی و مکانی، چالش اقتصادی و مالی، چالش آموزشی و مهارتی، چالش نهادی و حکمرانی، چالش اجتماعی و فرهنگی، و چالش زیست‌محیطی و اقلیمی و چالش جمعیتی و مهاجرتی می‌شوند. هر یک از این چالش‌ها از ترکیب چند مفهوم اولیه استخراج شده‌اند؛ برای مثال، چالش زیرساختی و مکانی از ضعف زیرساخت‌های ارتباطی و حمل‌ونقل، کمبود زیرساخت انرژی و آبرسانی، ضعف در دسترسی به فناوری و اینترنت و دوری از مراکز شهری و بازارها استنباط شده است و مشکلاتی مانند صعب‌العبور بودن مسیرها، نبود برق پایدار، نبود اینترنت و فاصله زیاد تا بازارها را شامل می‌شود.

نمونه متن مصاحبه یکی از افراد در زمینه چالش زیرساختی و مکانی توسعه کسب و کار در قلمروهای عشایری: کسب و کار امروزه خیلی مهم است برای هر جامعه، اما آنچه که مهم است اینه که بایستی فرصت‌ها و چالش‌ها شناخته بشه. عشایر مشکلات زیرساختی زیادی دارن که برای مثال زیرساخت ارتباطی یعنی حمل و نقل میتونه از مهمترین آنها باشه. شما اگر بخواهید یک مکان را توسعه دهید مهمترین مساله زیرساخت ارتباطی هست. عشایر وابستگی زیادی به منابع طبیعی دارند و منابع آب با آن که با عشایر عجین هستند اما طی سال‌های گذشته به خاطر تغییرات اقلیمی دچار تغییرات زیادی شده و به نظرم اگر مدیریت نشود چالش بزرگی در زمینه زیرساخت‌های انرژی مثل آب اتفاق خواهد افتاد. البته مساله برق هم بایستی در بیلاقی و قشلاقی عشایر رفع بشود این هم یک مشکل اساسی هست.

جدول ۱. مفاهیم اولیه، مضامین فرعی و اصلی چالش‌های توسعه کسب و کار در قلمروهای عشایری ایران

مضمون اصلی	مضامین فرعی	مفاهیم اولیه: نمونه مصادیق و گزاره‌ها
چالش زیرساختی و مکانی	ضعف زیرساخت‌های ارتباطی و حمل‌ونقل	نبود راه‌های مناسب، صعب‌العبور بودن مسیرها، دشواری حمل محصولات دامی
چالش اقتصادی و مالی	کمبود زیرساخت انرژی و آبرسانی	نبود برق پایدار، مشکل تأمین آب در بیلاقی و قشلاقی
	ضعف در دسترسی به فناوری و اینترنت دوری از مراکز شهری و بازارها	نبود اینترنت، محرومیت از خدمات دیجیتال و بانکی
وابستگی اقتصادی به دام و محصولات سنتی	کمبود سرمایه و تسهیلات اعتباری	هزینه زیاد جابه‌جایی و فروش محصولات، فاصله از شهر
	کمبود سرمایه و تسهیلات اعتباری	دشواری دریافت وام، نبود ضمانت‌های متناسب با سبک زندگی عشایر
ضعف در زنجیره تأمین و بازاریابی	فقدان مهارت‌های کارآفرینی	نبود تنوع درآمدی، آسیب‌پذیری در برابر نوسانات بازار
	فقدان مهارت‌های کارآفرینی	حضور پررنگ واسطه‌ها، ناپایداری قیمت‌ها
حمایت مالی از تولیدکنندگان	فقدان مهارت‌های کارآفرینی	نبود پوشش بیمه‌ای برای دام و فعالیت‌های تولیدی، کمبود تسهیلات بانکی
	فقدان مهارت‌های کارآفرینی	ناآشنایی با مدیریت مالی و برنامه‌ریزی تولید، نبود مهارت

مهارتی	سطح پایین سواد عمومی و دیجیتال نبود مراکز آموزش حرفه‌ای در قلمرو عشایر	بی‌سوادی بزرگسالان، ضعف سواد رسانه‌ای و فنی فاصله زیاد تا مراکز آموزشی، هزینه‌های بالا
چالش نهادی و حکمرانی	سیاست‌های حمایتی ناپایدار و کوتاه‌مدت نبود نهادهای پشتیبان محلی	تمرکز بر بارانه معیشتی به جای توسعه تولیدی، رشد وابستگی به دولت ضعف در شکل‌گیری تعاونی‌ها و تشکل‌های عشایری، عدم حمایت از سوی بخش خصوصی تداخل وظایف، چندگانگی سیاست‌ها نبود نگاه بومی‌محور در سیاست‌گذاری، عدم مشارکت دادن عشایر در تصمیم‌گیری‌ها
چالش اجتماعی و فرهنگی	کاهش هویت تولیدی در میان نسل جوان بی‌اعتمادی به نهادهای رسمی ضعف سرمایه اجتماعی و همکاری درون‌گروهی	گرایش به مشاغل شهری، تغییر ارزش‌های کاری تجربه‌های ناموفق طرح‌های دولتی گذشته، مداخله بیجای نهادها کاهش روحیه جمعی و همیاری در تولید، کاهش پیوندهای فرهنگی نیمه‌کوچ‌نشینی، تغییر ساختار خانواده‌ها، مهاجرت چرای بی‌رویه، فشار بر منابع طبیعی کاهش منابع آب آشامیدنی، کاهش دامداری، خشکسالی کاهش تولیدات دامی، مهاجرت اجباری، افزایش بیکاری بهره‌برداری بیش از توان محیط، کاهش منابع آب کاهش نیروی انسانی فعال در قلمرو عشایری، مهاجرت بی‌رویه تضعیف ساختار خانوادگی و جمعیتی، کاهش زاد و ولد دشواری در ارائه خدمات، افزایش اسکان
چالش زیست‌محیطی و اقلیمی	تخریب مراتع و فرسایش خاک کمبود منابع آبی و خشکسالی مکرر اثر تغییر اقلیم بر معیشت نبود برنامه سازگار با ظرفیت زیست‌محیطی	
چالش جمعیتی و مهاجرتی	مهاجرت جوانان عشایری به شهرها کاهش نرخ ازدواج و تداوم کوچ تمرکز جمعیت در سکونتگاه‌های موقت	

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۴۰۴

شناخت فرصت‌های توسعه کسب و کار در قلمروهای عشایری ایران

توسعه کسب و کارها در قلمرو عشایری با وجود چالش‌ها، اما فرصت‌هایی نیز وجود دارد که بر پایه آنها می‌تواند این چالش‌ها را مرتفع نمود. بر اساس تحلیل انجام شده، ۲۴ مضمون فرعی شناسایی شد که بر اساس استنباط انجام شده، این مفاهیم در ۸ مضمون اصلی به عنوان فرصت‌های توسعه کسب‌وکار در قلمروهای عشایری ایران دسته‌بندی شدند. این فرصت‌ها شامل بهره‌برداری از منابع طبیعی پایدار، تقویت فرهنگ و هویت عشایری، توسعه گردشگری تجربه‌محور و بوم‌محور، فرصت‌های بازار و تجارت نوین، بهره‌گیری از حمایت‌ها و سیاست‌های توسعه‌ای، همبستگی و سرمایه اجتماعی بالا، تنوع‌بخشی به فعالیت‌های اقتصادی و نقش راهبردی در اقتصاد و امنیت غذایی کشور می‌شوند.

هر یک از این فرصت‌ها از ترکیب چند مفهوم اولیه یا مضمون فرعی استخراج شده‌اند؛ مضمون‌های فرعی در ودق سازنده مضامین اصلی که همان فرصت‌های توسعه کسب و کار هستند، می‌باشند. برای مثال ظرفیت بهره‌برداری از منابع طبیعی پایدار از مراتع و چراگاه‌های گسترده، تنوع زیستی و گیاهان دارویی و منابع آب و چشم‌اندازهای طبیعی استنباط شده‌اند. همچنین فرصت‌های بازار و تجارت نوین از رشد بازار محصولات ارگانیک و سالم، گسترش بازارهای دیجیتال و آنلاین و تقاضای جهانی برای محصولات بومی استنباط شده است.

نمونه متن مصاحبه یکی از افراد در زمینه بهره‌برداری از منابع طبیعی پایدار در قلمروهای عشایری به عنوان یکی از فرصت‌های کسب و کار:

همه ما می‌دونیم که زندگی عشایر بر مبنای طبیعت و منابع آن شکل گرفته. بنابراین فرصت‌های کسب و کار در زمینه عشایری نیز در ارتباط با این منابع طبیعی است. برای نمونه مراتع عشایر یکی از مهمترین ظرفیت‌های توسعه کسب و کار هست که قابلیت دامداری و هم ایجاد گردشگری مبتنی بر طبیعت را دارد. البته خود چراگاه‌های عشایری نیز یک ظرفیت برای ایجاد گردشگری است

پهنه زیست عشایر سرشار از گیاهان متنوعی است که بخش مهمی از این گیاهان به عنوان گیاهان دارویی شناخته می‌شود. به نظرم سرمایه‌گذاری و برنامه‌ریزی در این زمینه خودش میتونه ظرفیت قابل توجهی به دنبال داشته باشه و رشد اقتصادی و توسعه کسب و کارهای سنتی و محلی را همراه داشته باشه.

جدول ۲. مفاهیم اولیه، مضامین فرعی و اصلی فرصت‌های توسعه کسب و کار در قلمروهای عشایری ایران

مضمون اصلی	مضامین فرعی	مفاهیم اولیه: نمونه مصادیق و گزاره‌ها
بهره‌برداری از منابع طبیعی پایدار	مراعات و چراگاه‌های گسترده تنوع زیستی و گیاهان دارویی	دامداری سنتی، تولید لبنیات ارگانیک، چرای کنترل‌شده تولید و فرآوری گیاهان دارویی، توسعه صنایع تبدیلی، فروش محصولات بومی
تقویت فرهنگ و هویت عشایری	منابع آب و چشم‌اندازهای طبیعی	اجرای طرح‌های آبخیزداری، گردشگری طبیعی، بهره‌وری پایدار منابع
توسعه گردشگری تجربه‌محور و بوم‌محور	مهارت‌های سنتی صنایع‌دستی آداب و رسوم و سبک زندگی عشایری میراث ناملموس و داستان‌های بومی مناظر بیابانی و قشلاقی	یافتدگی، چرم‌سازی، پشم‌بافی جاذبه گردشگری، برند فرهنگی، تورهای آموزشی ثبت آیین‌ها، جذب گردشگران، معرفی هویت محلی اقامتگاه‌های سنتی، تجربه زندگی کوچ‌نشینان، بازدید از طبیعت بکر
فرصت‌های بازار و تجارت نوین	محصولات محلی و خوراکی‌های بومی مسیرهای کوچ و چادرهای عشایری رشد بازار محصولات ارگانیک و سالم گسترش بازارهای دیجیتال و آنلاین تقاضای جهانی برای محصولات بومی برنامه‌های دولت در اقتصاد مقاومتی	عرضه غذا و لبنیات محلی، تورهای غذایی، فروش مستقیم تورهای فرهنگی، عکاسی و فیلم‌سازی، آموزش سبک زندگی فروش لبنیات و گوشت سالم، بازارهای محلی، ارزش افزوده بالا فروش اینترنتی، شبکه‌های فروش، برندینگ محصولات صادرات، ورود به بازارهای خارجی دسترسی به منابع مالی، تسهیلات بانکی، توسعه کسب‌وکارهای کوچک
بهره‌گیری از حمایت‌ها و سیاست‌های توسعه‌ای	طرح‌های تسهیلات خرد و اعتباری وجود نهادهای پشتیبان محلی	ایجاد کسب‌وکار خانگی، سرمایه اولیه، آموزش مالی توانمندسازی سازمان‌های مردم‌نهاد، ایجاد تعاونی‌ها، حمایت حقوقی
همبستگی و سرمایه اجتماعی بالا	ساختار طایفه‌ای و قبیله‌ای روحیه همکاری و همیاری نقش شوراهای محلی و ریش‌سفیدان ترکیب دامداری با صنایع تبدیلی توسعه گردشگری و صنایع دستی مکمل تولید انرژی‌های تجدیدپذیر	تشکیل تعاونی، شبکه‌های اقتصادی، مدیریت گروهی اجرای پروژه‌های جمعی، دامداری مشترک، صنایع تبدیلی گروهی هماهنگی جمعی، حل تعارض، حمایت اجتماعی از پروژه‌ها تولید لبنیات، فرآوری پشم، تولید محصولات تکمیلی درآمد چندمنبعی، فروش صنایع دستی، تورهای آموزشی انرژی خورشیدی، توربین‌های کوچک بادی، کاهش هزینه انرژی تولید لبنیات و گوشت سالم، مشارکت در زنجیره تأمین، ارزش غذایی بالا
نقش راهبردی در اقتصاد و امنیت غذایی کشور	محصولات با ارزش افزوده بالا مشارکت در حفظ مناطق کم‌جمعیت و مرزها	برندینگ ملی، فروش صادراتی، افزایش درآمد خانوار پایداری جمعیت، حفاظت محیط، ارزش اجتماعی و امنیتی

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۴۰۴

اعتبارسنجی نتایج کیفی شامل ظرفیت‌ها و چالش‌های توسعه کسب و کار در قلمرو عشایری (بخش کمی)

ویژگی‌های جمعیت‌شناختی کارشناسان نشان می‌دهد که نمونه پژوهش از ترکیبی متنوع و قابل اعتماد از نظر جنسیت، سن و تحصیلات تشکیل شده است. نسبت تقریبی ۵۶ درصد مرد و ۴۴ درصد زن، نشان می‌دهد که دیدگاه‌ها و تجارب هر دو گروه جنسیتی در ارزیابی فرصت‌ها و چالش‌های توسعه کسب‌وکار در قلمروهای عشایری مورد توجه قرار گرفته است. این تعادل جنسیتی به کاهش سوگیری‌های احتمالی و افزایش اعتبار نتایج کمک می‌کند. از لحاظ سن، بیشتر کارشناسان در رده سنی ۳۶ تا ۵۹ سال قرار دارند که بیانگر تجربه حرفه‌ای بالا و آشنایی با واقعیت‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی قلمروهای عشایری است. حضور کارشناسان با تجربه، اطمینان می‌دهد که داده‌ها و نظرات ارائه‌شده بر پایه دانش عملی و مشاهدات میدانی استوار است و تحلیل‌ها قابلیت کاربردی و عملیاتی دارند (جدول ۳).

ترکیب تحصیلی نمونه نیز مؤید سطح بالای دانش تخصصی و توان علمی آن‌هاست؛ بیش از نیمی از کارشناسان دارای مدرک فوق لیسانس و حدود یک‌سوم دارای مدرک دکتری هستند. این ویژگی نشان می‌دهد که تحلیل‌ها و ارزیابی‌های انجام شده مبتنی بر درک علمی و توان تحلیلی بالا است و قابلیت تولید توصیه‌های سیاستی معتبر و مستند را دارد. به طور کلی، ویژگی‌های

جمعیت‌شناختی نمونه نشان می‌دهد که داده‌های جمع‌آوری شده قابل اعتماد بوده و می‌توانند پایه‌ای مستحکم برای تحلیل فرصت‌ها و چالش‌های توسعه کسب‌وکار در قلمروهای عشایری فراهم کنند.

جدول ۳. توصیف ویژگی‌های نمونه (کارشناس)

متغیر	گزینه	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
جنس	مرد	۴۲	۵۶/۲	-
	زن	۳۲	۴۳/۸	-
سن (سال)	۲۷ تا ۳۵ سال	۳	۴/۱	۴/۱
	۳۶ تا ۴۵ سال	۳۴	۴۶/۶	۵۰/۷
	۴۶ تا ۵۹ سال	۳۶	۴۹/۳	۱۰۰
تحصیلات	لیسانس	۱۱	۱۵/۱	۱۵/۱
	فوق لیسانس	۴۲	۵۷/۵	۷۲/۶
	دکتری	۲۰	۲۷/۴	۱۰۰

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۴۰۴

اعتبارسنجی و اهمیت چالش‌های توسعه کسب و کار در قلمرو عشایری

برای ارزیابی اهمیت چالش‌های توسعه کسب‌وکار در قلمروهای عشایری ایران، از آزمون فریدمن استفاده شد. نتایج این آزمون نشان داد که تفاوت میان چالش‌ها از نظر اهمیت معنادار است. کای اسکور $116/402$ و معناداری $0/000$ محاسبه شده است (جدول ۴). لذا این سطح معناداری نشان می‌دهد که الگوی اهمیت چالش‌ها از نظر کارشناسان کاملاً قابل توجه و متفاوت است و می‌تواند مبنای تصمیم‌گیری و اولویت‌بندی مداخلات توسعه‌ای قرار گیرد.

بر اساس میانگین رتبه‌ها، نبود مراکز آموزش حرفه‌ای در قلمرو عشایر (میانگین رتبه ای $18/34$) به عنوان مهم‌ترین مانع توسعه کسب‌وکار شناسایی شد. پس از آن، ضعف در زنجیره تأمین و بازاریابی ($16/49$) در اولویت دوم و فقدان مهارت‌های کارآفرینی ($16/13$) در اولویت سوم قرار دارند که بیانگر محدودیت در دسترسی به بازارها، مدیریت فروش محصولات و توسعه کارآفرینی است. همچنین، چالش‌های زیرساختی مانند ضعف زیرساخت‌های ارتباطی و حمل‌ونقل ($14/78$) در اولویت چهارم، اثر تغییر اقلیم بر معیشت ($14/77$) در اولویت ششم و سیاست‌های حمایتی ناپایدار و کوتاه‌مدت ($14/72$) در اولویت هفتم نیاز به برنامه‌ریزی جامع در حوزه حمل‌ونقل، مدیریت منابع طبیعی و تدوین سیاست‌های حمایتی پایدار را نشان می‌دهند.

نتایج نشان می‌دهد چالش‌های اجتماعی و فرهنگی نیز اهمیت بالایی دارند؛ البته به نسبت دیگر چالش‌ها در اولویت‌های آخر قرار گرفته‌اند. به ویژه ضعف سرمایه اجتماعی و همکاری درون‌گروهی ($13/02$) در اولویت ۱۵، و بی‌اعتمادی به نهادهای رسمی ($12/85$) در اولویت ۱۶ که نشان‌دهنده ضرورت تقویت شبکه‌های اجتماعی، شوراها و مشارکت جمعی در موفقیت برنامه‌های توسعه‌ای است. علاوه بر این، چالش‌های زیست‌محیطی مانند کمبود منابع آبی و خشکسالی مکرر ($11/95$) در اولویت ۲۲ و نبود برنامه سازگار با ظرفیت زیست‌محیطی ($11/94$) در اولویت ۲۳ شناخته شده‌اند که این موارد نیاز به مدیریت پایدار منابع طبیعی و هماهنگی توسعه کسب‌وکار با ظرفیت محیط زیست را برجسته می‌کند. در مجموع، نتایج تحلیل نشان می‌دهد که توسعه پایدار کسب‌وکار در قلمروهای عشایری نیازمند مداخلات همزمان در حوزه آموزش، بازار، زیرساخت، سیاست‌گذاری و حفاظت محیط زیست است تا توانمندسازی اقتصادی و اجتماعی عشایر تحقق یابد.

جدول ۴. اعتبارسنجی و اهمیت چالش‌های توسعه کسب و کار در قلمرو عشایری (آزمون فریدمن)

مقادیر آزمون	Chi square	Sig
چالش‌ها <td>۱۱۶/۴۰۲ <td>۰/۰۰۰ </td></td>	۱۱۶/۴۰۲ <td>۰/۰۰۰ </td>	۰/۰۰۰
ضعف زیرساخت‌های ارتباطی و حمل‌ونقل	۱۴/۷۸	۵
کمبود زیرساخت انرژی و آب‌رسانی	۱۲/۴۰	۱۸
ضعف در دسترسی به فناوری و اینترنت	۱۳/۸۹	۹
دوری از مراکز شهری و بازارها	۱۴/۶۶	۸
کمبود سرمایه و تسهیلات اعتباری	۱۳/۷۰	۱۱

۱۹	۱۲/۳۸	وابستگی اقتصادی به دام و محصولات سنتی
۲	۱۶/۴۹	ضعف در زنجیره تأمین و بازاریابی
۱۰	۱۳/۸۰	نبود بیمه و حمایت مالی از تولیدکنندگان
۳	۱۶/۱۳	فقدان مهارت‌های کارآفرینی
۱۸	۱۲/۶۲	سطح پایین سواد عمومی و دیجیتال
۱	۱۸/۳۴	نبود مراکز آموزش حرفه‌ای در قلمرو عشایر
۷	۱۴/۷۲	سیاست‌های حمایتی ناپایدار و کوتاه‌مدت
۲۱	۱۲/۳۶	نبود نهادهای پشتیبان محلی
۱۲	۱۳/۴۶	فقدان هماهنگی بین دستگاه‌های دولتی
۲۵	۱۰/۹۷	تصمیم‌گیری بدون مشارکت جوامع عشایری
۱۷	۱۲/۷۴	کاهش هویت تولیدی در میان نسل جوان
۱۶	۱۲/۸۵	بی‌اعتمادی به نهادهای رسمی
۱۵	۱۳/۰۲	ضعف سرمایه اجتماعی و همکاری درون گروهی
۳۴	۱۱/۲۳	تغییر الگوهای زیست سنتی
۲۶	۱۰/۱۶	تخریب مراتع و فرسایش خاک
۲۲	۱۱/۹۵	کمبود منابع آبی و خشکسالی مکرر
۶	۱۴/۷۷	اثر تغییر اقلیم بر معیشت
۲۳	۱۱/۹۴	نبود برنامه سازگار با ظرفیت زیست‌محیطی
۱۳	۱۳/۴۳	مهاجرت جوانان عشایری به شهرها
۴	۱۴/۹۷	کاهش نرخ ازدواج و تداوم کوچ
۱۴	۱۳/۲۲	تمرکز جمعیت در سکونتگاه‌های موقت

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۴۰۴

اعتبارسنجی و اهمیت فرصت‌های توسعه کسب و کار در قلمرو عشایری

شناسایی و اولویت‌بندی فرصت‌های توسعه کسب‌وکار در قلمروهای عشایری ایران با استفاده از آزمون فریدمن انجام شد. نتایج آزمون نشان داد که تفاوت اهمیت فرصت‌ها از دیدگاه کارشناسان معنادار است (مقدار کای اسکوتر ۱۱۱/۳۶ و معناداری ۰/۰۰۰). این موضوع بیانگر آن است که هر یک از فرصت‌های شناسایی شده به طور متفاوتی بر توانمندسازی اقتصادی و ارتقای زندگی اجتماعی عشایر تأثیرگذارند و توجه به آن‌ها در برنامه‌ریزی توسعه‌ای ضروری است (جدول ۵).

بر اساس میانگین رتبه‌ها، نقش شوراهای محلی و ریش‌سفیدان (۱۵/۸۲، اولویت ۱) به عنوان مهم‌ترین فرصت برجسته شد و اهمیت هدایت مشارکتی و تصمیم‌گیری بومی‌محور را در توسعه کسب‌وکارهای عشایری نشان داد. از سوی دیگر، رشد بازار محصولات ارگانیک و سالم (۱۵/۴۷، اولویت ۲) و تقاضای جهانی برای محصولات بومی (۱۴/۲۱، اولویت ۳) نشان‌دهنده ظرفیت‌های بالای بازار داخلی و بین‌المللی برای محصولات سنتی و ارگانیک است. علاوه بر این، فرصت‌های فرهنگی و اجتماعی همچون روحیه همکاری و همیاری (۱۳/۸۷، اولویت ۴) و آداب و رسوم و سبک زندگی عشایری (۱۳/۸۶، اولویت ۵) به روشنی نشان می‌دهند که سرمایه اجتماعی و فرهنگی می‌تواند محرک رشد کسب‌وکارهای محلی باشد.

فرصت‌های دیگری نظیر میراث ناملموس و داستان‌های بومی (۱۲/۸۴، اولویت ۶)، وجود نهادهای پشتیبان محلی (۱۳/۶۶، اولویت ۷) و گسترش بازارهای دیجیتال و آنلاین (۱۳/۲۵، اولویت ۸) بر اهمیت حمایت نهادی، حفاظت از فرهنگ بومی و استفاده از فناوری‌های نوین تأکید دارند. به طور کلی، این یافته‌ها نشان می‌دهند که موفقیت توسعه کسب‌وکار در قلمروهای عشایری مستلزم بهره‌گیری همزمان از منابع طبیعی، فرهنگی و انسانی، پشتیبانی سازمانی و دسترسی به بازارهای مدرن و جهانی است تا هم توانمندسازی اقتصادی و هم حفظ هویت فرهنگی محلی تحقق یابد.

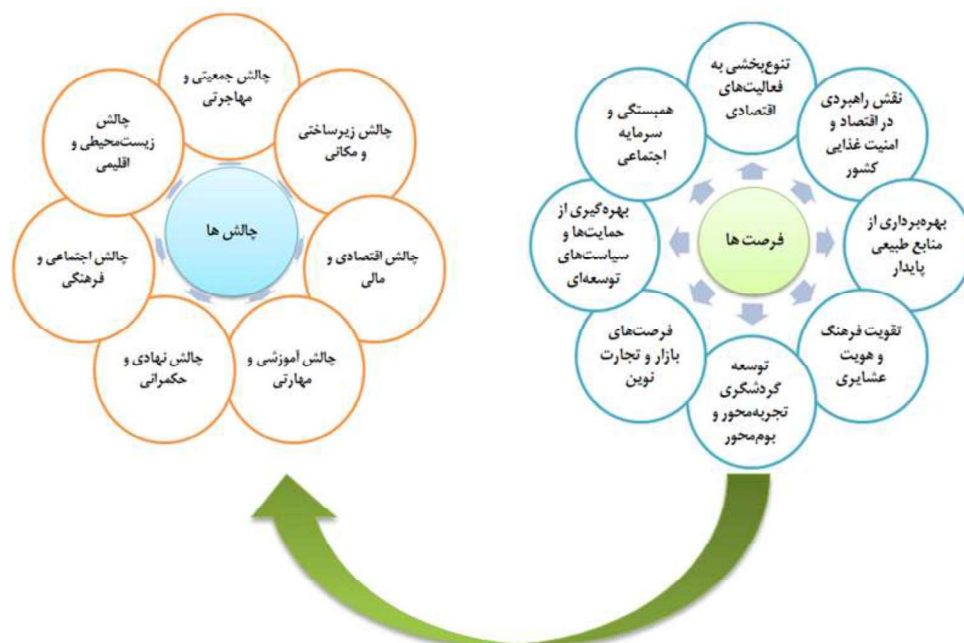
جدول ۵. اعتبارسنجی و اهمیت فرصت‌های توسعه کسب و کار در قلمرو عشایری (آزمون فریدمن)

Sig	Chi square	مقادیر آزمون
۰/۰۰۰	۱۱۱/۰۴۶	فرصت‌ها
اولویت	میانگین رتبه ای	
۱۱	۱۲/۹۷	مراتع و چراگاه‌های گسترده
۱۴	۱۲/۲۵	تنوع زیستی و گیاهان دارویی

۱۷	۱۲/۰۳	منابع آب و چشم‌اندازهای طبیعی
۱۶	۱۲/۰۵	مهارت‌های سنتی صنایع دستی
۵	۱۳/۸۶	آداب و رسوم و سبک زندگی عشایری
۶	۱۲/۸۴	میراث ناملموس و داستان‌های بومی
۲۱	۱۱/۳۱	مناظر بیابانی و قشلاقی
۲۲	۱۰/۱۸	محصولات محلی و خوراک‌های بومی
۱۵	۱۲/۰۶	مسیرهای کوچ و چادرهای عشایری
۲	۱۵/۴۷	رشد بازار محصولات ارگانیک و سالم
۸	۱۳/۲۵	گسترش بازارهای دیجیتال و آنلاین
۳	۱۴/۲۱	تقاضای جهانی برای محصولات بومی
۹	۱۳/۱۱	برنامه‌های دولت در اقتصاد مقاومتی
۱۰	۱۳/۰۴	طرح‌های تسهیلات خرد و اعتباری
۷	۱۳/۶۶	وجود نهادهای پشتیبان محلی
۱۳	۱۲/۴۱	ساختار طایفه‌ای و قبیله‌ای
۴	۱۳/۸۷	روحیه همکاری و همیاری
۱	۱۵/۸۲	نقش شوراهای محلی و ریش‌سفیدان
۱۹	۱۱/۴۶	ترکیب دامداری با صنایع تبدیلی
۲۴	۸/۱۲	توسعه گردشگری و صنایع دستی مکمل
۲۳	۹/۹۵	تولید انرژی‌های تجدیدپذیر
۱۸	۱۱/۷۳	تأمین بخشی از گوشت و لبنیات کشور
۱۲	۱۲/۹۱	محصولات با ارزش افزوده بالا
۲۰	۱۱/۴۵	مشارکت در حفظ مناطق کم‌جمعیت و مرزها

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۴۰۴

تحلیل چارچوب مفهومی نشان می‌دهد که با وجود چالش‌های متعدد توسعه کسب‌وکار در قلمروهای عشایری، فرصت‌های شناسایی شده می‌توانند نقش مهمی در کاهش یا رفع این محدودیت‌ها ایفا کنند. به عنوان مثال، بهره‌برداری پایدار از منابع طبیعی و توسعه گردشگری تجربه‌محور می‌تواند ضعف زیرساخت‌های اقتصادی و مالی را با ایجاد منابع درآمدی متنوع و پایدار کاهش دهد. همچنین، تقویت فرهنگ و هویت عشایری و سرمایه اجتماعی بالا می‌تواند بر چالش‌های نهادی و اجتماعی مانند فقدان هماهنگی بین نهادها و کاهش روحیه همکاری اثرگذار باشد. بهره‌گیری از حمایت‌ها و سیاست‌های توسعه‌ای و گسترش بازارهای نوین، از جمله دیجیتال و صادراتی، امکان تأمین سرمایه و کاهش وابستگی به محصولات سنتی را فراهم می‌کند و از این طریق چالش‌های اقتصادی و مالی را کاهش می‌دهد. علاوه بر این، تنوع‌بخشی به فعالیت‌های اقتصادی و استفاده از فناوری‌های نوین می‌تواند چالش‌های آموزشی و مهارتی را با افزایش دانش فنی و مهارت‌های حرفه‌ای کاهش دهد و نهایتاً نقش راهبردی این فرصت‌ها در اقتصاد و امنیت غذایی کشور، زمینه‌ای برای پایداری جمعیت و حفاظت محیط‌زیست فراهم می‌کند و چالش‌های زیست‌محیطی و جمعیتی را کاهش می‌دهد. به این ترتیب، فرصت‌های موجود به عنوان عوامل تسهیل‌کننده، ظرفیت مقابله با محدودیت‌ها و پیشبرد توسعه پایدار قلمروهای عشایری را فراهم می‌آورند.



شکل ۲. چارچوب مفهومی چالش‌ها و فرصت‌های توسعه کسب و کار در قلمرو عشایری

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۴۰۴

نتیجه‌گیری

توسعه کسب‌وکار در قلمروهای عشایری ایران به دلیل برخورداری از منابع طبیعی غنی، تنوع زیستی و فرهنگی و دانش سنتی جامعه عشایری، پتانسیل بالایی برای رشد اقتصادی و اجتماعی دارد. با این حال، این ظرفیت‌ها تحت تأثیر مجموعه‌ای از چالش‌های ساختاری، اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی قرار دارند که بدون شناخت دقیق و برنامه‌ریزی هدفمند، تحقق توسعه پایدار را دشوار می‌سازند. بررسی تعامل میان فرصت‌ها و چالش‌ها می‌تواند چارچوبی برای سیاست‌گذاری هوشمند و اقدامات عملیاتی ارائه دهد.

تبیین یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که چالش‌ها در قلمروهای عشایری به صورت چندلایه و پیچیده هستند و در حوزه‌های زیرساختی، اقتصادی، آموزشی، نهادی، اجتماعی، زیست‌محیطی و جمعیتی مشاهده می‌شوند. به‌طور مثال، فقدان مراکز آموزش حرفه‌ای و ضعف مهارت‌های کارآفرینی، محدودیت قابل توجهی در توسعه فعالیت‌های اقتصادی ایجاد می‌کند و نشان‌دهنده ضرورت سرمایه‌گذاری در ارتقای مهارت‌های انسانی است. نتیجه‌ای که با یافته‌های شمس‌الدینی و جمینی (۱۴۰۳) همسوست؛ زیرا آنان نیز بر نقش دانش بومی، فعالیت‌های جمعی و توسعه مهارت‌های رقابتی در توانمندسازی جامعه عشایری تأکید کرده‌اند. از سوی دیگر، چالش‌های زیرساختی و مکانی مانند ضعف راه‌ها، دسترسی ناکافی به انرژی و اینترنت و فاصله از بازارها، بدون حمایت‌های دولتی و سرمایه‌گذاری بخش خصوصی، مانع ایجاد شبکه‌های بازاریابی مؤثر و توسعه کسب‌وکارهای محلی می‌شود. این یافته با تأکید کشاورز ملایی و همکاران (۱۴۰۳) بر اهمیت «مدیریت هماهنگ، حکمروایی خوب و فراهم‌سازی امکانات زیرساختی» هم‌خوانی دارد. چالش‌های زیست‌محیطی و جمعیتی، همچون تخریب مراتع، خشکسالی مکرر و مهاجرت جوانان، علاوه بر اثرات اقتصادی، پیامدهای اجتماعی و فرهنگی نیز دارند و مدیریت آن‌ها مستلزم رویکردی جامع و مبتنی بر پایداری منابع طبیعی است. مشابه آنچه نعمتی و همکاران (۱۴۰۰) در خصوص «موانع زیست‌محیطی و اجتماعی توسعه عشایری» گزارش کرده‌اند.

همچنین پژوهش نشان می‌دهد که فرصت‌های موجود در قلمروهای عشایری می‌توانند نقش تسهیل‌کننده برای مقابله با این چالش‌ها ایفا کنند. بهره‌برداری پایدار از منابع طبیعی و توسعه گردشگری تجربه‌محور، امکان ایجاد درآمدهای پایدار و تنوع اقتصادی را فراهم می‌کند و وابستگی اقتصادی به محصولات سنتی را کاهش می‌دهد. این یافته با بخش‌های نتایج نعمتی و همکاران (۱۴۰۰) که سرمایه اجتماعی، توان محیطی و سرمایه فرهنگی را عوامل اثرگذار در توسعه گردشگری عشایری معرفی کردند، هم‌راستا است. تقویت فرهنگ و هویت عشایری و سرمایه اجتماعی بالا، علاوه بر ارتقای انسجام اجتماعی، می‌تواند به حل

چالش‌های نهادی و اجتماعی کمک کند. این بخش از یافته‌ها نیز با نتایج طهماسبی و همکاران (۱۳۹۴) همخوان است که نشان دادند تغییر ارزش‌های کوچ‌نشینی و گرایش به سبک زندگی شهری هم‌زمان فرصت‌ها و تهدیدهایی برای جامعه عشایری پدید آورده است. فرصت‌های بازار و تجارت نوین، از جمله گسترش بازارهای دیجیتال و صادرات، امکان تأمین سرمایه و ورود به بازارهای بین‌المللی را ایجاد کرده و به کاهش فشار اقتصادی بر خانوارهای عشایری کمک می‌کند. این بخش از یافته‌ها همسو با مطالعات دالمیدا و همکاران (۲۰۲۲) و گی و همکاران (۲۰۲۴) است که به نقش فناوری‌های نوین و اقتصاد دیجیتال در بازتعریف ساختارهای سنتی تولید و مبادله اشاره کرده‌اند. همچنین، تنوع‌بخشی به فعالیت‌های اقتصادی و بهره‌گیری از فناوری‌های نوین، مسیر ارتقای مهارت‌های حرفه‌ای و توسعه ظرفیت‌های آموزشی را هموار می‌سازد و نهایتاً نقش راهبردی این فرصت‌ها در اقتصاد و امنیت غذایی، زمینه‌ساز پایداری جمعیت و حفاظت محیط زیست خواهد بود. همان‌گونه که لوریج و همکاران (۲۰۲۰) و دبیر (۲۰۱۶) نیز تأکید دارند، ورود جوامع سنتی به چرخه اقتصاد دانش‌محور، نیازمند پیوند میان آموزش، فناوری و فرهنگ بومی است. بر اساس یافته‌ها، پیشنهاد می‌شود: (۱) ایجاد و تقویت شبکه‌های فروش محصولات محلی، ارگانیک و صنایع دستی با استفاده از بازارهای دیجیتال و برندینگ محلی برای افزایش درآمد و کاهش وابستگی به واسطه‌ها؛ (۲) راه‌اندازی مراکز آموزش حرفه‌ای و دوره‌های کوتاه‌مدت مهارت‌آموزی در نزدیک سکونتگاه‌های عشایری، با تمرکز بر کارآفرینی، مدیریت مالی و بازاریابی محصولات محلی؛ (۳) طراحی و اجرای پروژه‌های گردشگری بوم‌محور و تجربه‌محور با هدف ایجاد فرصت‌های شغلی، حفظ منابع طبیعی و تقویت فرهنگ محلی. محدودیت‌های پژوهش شامل نمونه محدود کارشناسان و تأثیر متغیرهای اقتصادی و اقلیمی پویا بر قابلیت تعمیم یافته‌ها است که توجه به آن‌ها در سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی ضروری است. این محدودیت‌ها می‌تواند مبنای تحقیقات تکمیلی و مطالعات تطبیقی در مناطق عشایری یا محیط‌های مشابه باشد.

منابع

- جمینی، داود؛ نظری، حمید؛ صیدایی، سید اسکندر و برقی، حمید. (۱۴۰۲). بررسی تأثیر شاخص‌های کارآفرینی گردشگری بر توسعه پایدار روستایی در قلمروهای عشایری ایران (مطالعه موردی شهرستان اردل؛ استان چهارمحال و بختیاری). مطالعات برنامه ریزی قلمرو کوچ نشینان. ۳(۲)، ۶۱-۷۶. doi: 10.22034/jsnap.2023.422238.1076
- ریاحی، وحید؛ طهماسبی، اصغر و عزیز، سمیه. (۱۴۰۰). تحلیل الگوهای زیستی سامانه‌های عشایری با تأکید بر رویکرد معیشت پایدار (مورد مطالعه: کانون‌های عشایری شهرستان ملارد). (مطالعات برنامه ریزی قلمرو کوچ نشینان. ۱(۱)، ۵۹-۷۶. Doi: 20.1001.1.28210530.1400.1.1.7.5
- شمس الدینی، علی و جمینی، داود. (۱۴۰۳). شناسایی مهم‌ترین استراتژی توسعه گردشگری عشایری (مطالعه موردی: استان فارس). پژوهش‌های جغرافیای اقتصادی. ۵(۱۷)، ۱۳-۲۷. doi: 10.30470/jegr.2024.2037659.1207
- شمس الدینی، علی؛ جمینی، داود و آتش بهار، رامین. (۱۴۰۳). تحلیلی بر معیارهای مکان یابی اکوکمپ گردشگری عشایری در کشور. مطالعات برنامه ریزی قلمرو کوچ نشینان. ۴(۱)، ۱۷-۳۳. doi: 10.22034/jsnap.2024.430969.1082
- صفری علی اکبری، مسعود و صادقی، حجت‌الله. (۱۴۰۰). امکان سنجی تأثیرات توسعه گردشگری در عشایر بختیاری. مطالعات برنامه ریزی قلمرو کوچ نشینان. ۱(۱)، ۱۱-۱۰. https://www.jsnap.ir/article_145495.html
- صفری علی اکبری، مسعود. (۱۴۰۰). بررسی وضعیت و نقش جامعه عشایری در توسعه پایدار مرزهای کشور (مورد مطالعه عشایر غرب ایران). فصلنامه علمی برنامه ریزی منطقه ای. ۱۱(۴)، ۶۷-۸۲. doi: 10.30495/jzpm.2021.3935
- صیدایی، سید اسکندر و صادقی، حجت‌الله. (۱۴۰۲). مکان یابی احداث اکوکمپ‌های گردشگری عشایری در منطقه چهارمحال و بختیاری. مطالعات برنامه ریزی قلمرو کوچ نشینان. ۳(۱)، ۱۳-۳۰. doi: 10.22034/jsnap.2023.167726
- طهماسبی، سیامک؛ بدری، سیدعلی؛ رضوانی، محمدرضا. (۱۳۹۴). روند تغییرات معیشتی - زیستی در زیست بوم‌های عشایری با رویکرد پایداری محیط (مطالعه موردی: زیست بوم طایفه فارسیمدان، استان فارس). جغرافیا و پایداری محیط. ۵(۴)، ۶۵-۸۶. https://ges.razi.ac.ir/article_494.html
- کشاورز ملائی، شبنم؛ طهماسبی، اصغر و قادرمی، حامد. (۱۴۰۳). شناسایی چالش‌ها و راهبردهای پایداری معیشت عشایر (مورد مطالعه: ایل کلهر تهران). مطالعات برنامه ریزی قلمرو کوچ نشینان. ۱۴(۱)، ۸۳-۹۶. doi: 10.22034/jsnap.2024.458578.1098
- نعمتی، ولی؛ ضیایی، محمود؛ فقیهی، ابوالحسن و طهماسبی، اصغر. (۱۴۰۰). تحلیل کیفی عوامل موثر بر توسعه گردشگری عشایری (مورد مطالعه عشایر شاهسون). برنامه ریزی و توسعه گردشگری. ۱۰(۳۹)، ۷-۲۹. doi: 10.22080/jtpd.2022.21910.3578
- Afsharipour, A., Barghi, H., & Ghanbari, Y. (2021). Appropriate policy-making for rural regions management in Iran. Land Use Policy, 109, 1-8. <https://doi.org/10.1016/j.landusepol.2021.105669>

- Braun, V. & Clarke, V. (2006). Using thematic analysis in psychology. *Qualitative Research in Psychology*, 3(2), 77-101. <https://www.tandfonline.com/doi/abs/10.1191/1478088706QP063OA>
- Clarke, V. & Braun, V. (2013). Teaching thematic analysis: Overcoming challenges and developing strategies for effective learning. *The Psychologist*, 26(2), 120-123. <https://uwe-repository.worktribe.com/preview/937606/Teaching%20>
- Daskiran, I., Savas, T., Koyuncu, M., Koluman, N., Keskin, M., Esenbuga, N., ... & Bingöl, M. (2018). Goat production systems of Turkey: Nomadic to industrial. *Small Ruminant Research*, 163, 15-20. DOI:10.1016/j.smallrumres.2017.10.001
- De Almeida, M. A., De Souza, J. M., Correia, A., & Schneider, D. (2022, October). The role of wannabes in the digital nomad ecosystem in times of pandemic. In 2022 IEEE international conference on systems, man, and cybernetics (SMC) (pp. 3354-3359). IEEE. DOI:10.1109/SMC53654.2022.9945599
- Dyer, C. (2016). Evolving approaches to educating children from nomadic communities. *Prospects*, 46(1), 39-54. <https://doi.org/10.1007/s11125-016-9381->
- Gulliver, P. H. (2018). Nomadic movements: causes and implications. In *Pastoralism in tropical Africa* (pp. 369-386). Routledge. <https://www.taylorfrancis.com/chapters/edit/10.4324/9780429490781-14>
- Hall, T. D. (2019). The role of nomads in core/periphery relations. In *Core/Periphery Relations in Precapitalist Worlds* (pp. 212-239). Routledge. DOI:10.4324/9780429044663-8
- Loorbach, D., Wittmayer, J., Avelino, F., Von Wirth, T., & Frantzeskaki, N. (2020). Transformative innovation and translocal diffusion. *Environmental innovation and societal transitions*, 35, 251-260. <https://doi.org/10.1016/j.eist.2020.01.009>
- Nandintsetseg, D., Bracis, C., Olson, K. A., Böhning-Gaese, K., Calabrese, J. M., Chimeddorj, B., ... & Mueller, T. (2019). Challenges in the conservation of wide-ranging nomadic species. *Journal of Applied Ecology*, 56(8), 1916-1926. DOI:10.1111/1365-2664.13380
- Olaniran, S. O. (2018). Almajiri education: Policy and practice to meet the learning needs of the nomadic population in Nigeria. *International Review of Education*, 64(1), 111-126. <https://doi.org/10.1007/S11159-018-9705-2>
- Qi, Y., Chen, Q., Yang, M., & Sun, Y. (2024). Ambidextrous knowledge accumulation, dynamic capability and manufacturing digital transformation in China. *Journal of Knowledge Management*, 28(8), 2275-2305. DOI:10.1108/JKM-09-2022-0717
- Tugjamba, N., Walkerden, G., & Miller, F. (2021). Climate change impacts on nomadic herders' livelihoods and pastureland ecosystems: a case study from Northeast Mongolia. *Regional Environmental Change*, 21(4), 1-18. DOI:10.1007/s10113-021-01829-4